

# ادبیات سوسیالیستی

## از انتشارات حزب کمونیست کارگری

مذهب، ناسیونالیسم، و از خود

بیگانگی انسان

حمید تقوائی

این نوشته بر مبنای سخنرانی در انجمن مارکس لندن، (۴ فوریه ۲۰۰۵)، تنظیم شده است. با تشکر از رفیق علی فرهنگ برای پیاده کردن دقیق متن سخنرانی.

**خلیل کیوان:** در فرهنگ سیاسی جامعه ایران تحزب و مبارزه حزبی جایگاه چندانی ندارد. میشود گفت حزب گریزی در فضای سیاسی ایران یک نحوه تفکر غالب است. حتی در میان برخی فعالین مبارزه مستقل از احزاب به یک فضیلت ارتقاء یافته است. دلایل این حزب گریزی چیست؟ در شرایطی که جامعه بیش از پیش برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی به اتحاد و سازمان نیاز دارد، چرا روی آوری به احزاب سیاسی با همان درجه پیشرفت نشان نمیدهد؟ آیا تفاوتی در رویکرد نسل های گذشته و نسل های جوانتر نسبت به این مساله وجود دارد؟ آیا در رویکرد ایرانیان خارج کشور تفاوتی با رویکرد ایرانیان داخل مشاهده میشود؟ این پرسشها را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

حمید تقوایی، حزب گریزی در میان ایرانیان یک واقعیت است. به امروز هم مربوط نیست. بجز در دوره هایی کوتاهی در تاریخ جنبش های سیاسی اجتماعی مانند دوره مشروطه، نیمه دوم دهه ۲۰ و سالهای نخست دهه ۳۰ شمسی و همچنین در مدت

کوتاهی پس از انقلاب ۵۷ ما با پدیده حزب گریزی روبرو بوده ایم. علت آن چیست؟

**حمید تقوایی:** همین توضیح شما در مورد دوره هائی استثنائی نشان میدهد که علت اصلی چیست. در دوره هائی که جامعه به تحرک در می آید، جنبشهای توده ای شکل میگیرد و بندهای اختناق سست میشود احزاب میدانی برای ابراز وجود و فعالیت پیدا میکنند؛ از سوی دیگر مسائل امنیتی کنار میرود و توازن قوا به نفع مردم معترض تغییر میکند و در نتیجه مردم میتوانند به احزاب پیوندند بدون آنکه تحت پیگرد قرار بگیرند. بنابراین اگر در بخش عمده تاریخ معاصر ایران حزب و حزیت جایگاهی در جامعه ندارد علت اصلیش اینست که دیکتاتوری و اختناق بر جامعه حاکم بوده است. تا آنجا که به نیروهای مخالف و فضای اعتراضی مربوط میشود نفس تشکیل حزب و تحزب را به یک نوع جرم تبدیل کرده اند. جرم اقدام علیه امنیت ملی، وطن فروشی، علیه مقدسات ملی - میهنی، و امروز علیه اسلام و مقدسات اسلامی و غیره.

بر مبنای اینها برای هرکس که تمایلی به احزاب اپوزیسیون نشان میدهد پرونده سازی میکنند و با بازداشت و زندان و اعدام به سراغش میروند.

نکته دیگر اینکه حزب نه تنها به عنوان ابزار و سازمان مبارزه و اعتراض، که در جوامعی مثل ایران حزب به این عنوان اهمیت و جایگاه پیدا میکند، بلکه حتی به عنوان احزاب حکومتی و پارلمانی هم در فرهنگ سیاسی ایران بی معنی است. علت این امر هم دیکتاتوری است. در دیکتاتوری ها بالاخره یک فرد تصمیم گیرنده است. پارلمان بی معنی میشود. انتخابات پارلمانی چیزی بجز یک نمایش تو خالی نیست و در نتیجه اعمال سیاستهای مختلف از طریق بالانس قوا میان احزاب حکومتی، نظیر آنچه در کشورهای غربی شاهد هستیم، محلی از اعراب پیدا نمیکند. از این نظر هم حزب و حزیت در رژیمهای سرکوبگر جایگاهی ندارد. همانطور که کلا پارلمان جایگاهی ندارد، همانطور که مبارزه انتخاباتی معنائی ندارد. بنابراین در جوامعی نظیر ایران

هم حزب و حزبیت در اپوزیسیون و اعتراض و مبارزه متشکل با سرکوب و بگیر و ببند روبرو بوده است و هم در سیستم حکومتی و ساختمان دولت احزاب، بجز به شکل فرمال و صوری، جایگاهی نداشته‌اند. این دو فاکتور در اینکه حزب و حزبیت جایگاه واقعی خود را در فضا و فرهنگ سیاسی ایران پیدا نکند نقش اساسی داشته‌اند.

**خلیل کیوان:** جامعه رنگارنگ است. از طبقات و گروه‌های مختلف با منافع و علائق متنوع و متناقض تشکیل شده است. طبقات و گروه‌های اجتماعی در جوامعی مثل کشورهای غربی که آزادیهای نسبی وجود دارد برای تحقق منافع خود متشکل میشوند. انجمن و گروه و سازمان و حزب سیاسی ایجاد کنند. اما میبینیم که بسیاری از ایرانیان که در کشورهای غربی زندگی میکنند و با این پدیده آشنا هستند هم در احزاب متشکل نیستند و حتی حمایت قابل توجهی از احزاب نمیکنند. چرا اینطور است؟ در غرب که دیگر اختناق نیست؟

**حمید تقوائی:** رابطه بین

دیکتاتوری و اختناق و حزبیت یک رابطه مکانیکی و فوری نیست. شرایط اختناق آمیز یک نوع طرز تفکر و حتی تئوریه‌ها و گرایش‌های فکری‌ای در جامعه ایجاد کرده است که سخت جان است. این گرایش است که حزب‌گریزی و فعالیت مستقل فردی را به یک نوع فضیلت تبدیل کرده است. برای خیلی از فعالین چه داخل کشور و چه در خارج کشور این یک افتخار است که اعلام کنند به هیچ حزب و سازمانی وابسته نیستند. این ظاهراً یک نوع امتیاز و برتری فعالین منفرد بر فعالین متشکل و متحزب محسوب میشود! گویا مبارزه فردی از مبارزه جمعی موثرتر است! روشن است که واقعیت برعکس است. نه تنها مبارزه بلکه هر نوع فعالیت اجتماعی به سازمان نیاز دارد. نمیتوان بطور انفرادی کار موثر و مهمی در جامعه انجام داد. در هنر و ورزش و فعالیت‌های فرهنگی، چه برسد در سیاست و مبارزه و اعتراض سیاسی، باید با همفکران و هم‌نظران خود همراه و متحد شوید. بالاخره این کار جمعی و سازمانیافته است که هر اقدام و عمل اجتماعی را امکان‌پذیر میکند.

در فرهنگ سیاسی ایران متأسفانه این بدیهیت برعکس شده است. خیلی‌ها که حتی از ضرورت وحدت و مبارزه جمعی دم میزنند به حزبیت و تشکل حزبی روی خوشی نشان نمیدهند. یک استدلال این نوع افراد اینست که گویا احزاب بخاطر امری که ادعا میکنند مبارزه نمیکنند بلکه هدفشان مطرح کردن خودشان و کسب نفوذ حزبی است. به این ترتیب مبارزه حزبی نوع فرصت‌طلبی، و فعالیت مستقل و فردی مبارزه اصیل و غیر فرصت‌طلبانه تصویر و قلمداد میشود. این طرز فکر کاملاً پوچ است. ممکن است در مورد بعضی از احزاب حکومتی بتوان این را گفت ولی بخصوص در مورد احزاب اپوزیسیون که در زیر تیغ دیکتاتوری هائی نظیر جمهوری اسلامی فعالیت میکنند این طرز تفکر کاملاً بی‌پایه است و عملاً در خدمت ارتجاع حاکم قرار میگیرد. حزب را از موضوع مبارزه اش نمیتوان جدا کرد. افرادی که امری دارند، مثلاً کمونیست‌هائی که امرشان آزادی و برابری و رفاه همه مردم است،

در قدم اول مبارزه شان متوجه میشوند که فردی نمیتوان کاری کرد، متوجه میشوند که یک دست صدا ندارد، باید متحد شد، باید با هم نظران و همدردانمان متشکل شویم و فعالیت کنیم. این تشکل در سطح سیاست حزب نامیده میشود. فعالینی که حزب تشکیل میدهند و یا به حزبی می پیوندند امر دیگری را دنبال نمیکنند، بلکه بر عکس، برای پیشبرد موثر و قدرتمند امر و هدفی که به آن معتقد هستند به خود سازمان میدهند. نمیتوان به اهداف و آرمان معینی معتقد بود، و بطور فردی و اتمیزه فعالیت کرد. این تناقض در خود است. اولین اقدام برای شروع مبارزه برای تحقق هر هدف و آرمانی متشکل و متحد شدن است.

اینها در فرهنگ سیاسی غرب جزو بدیهیات است ولی متاسفانه در جامعه ایران و حتی در میان ایرانیان مقیم خارج کشور، به دلایلی که گفتم این طور نیست. باید با این نوع تئوریهای ضد حزب و حزییت مقابله کرد.

**خلیل کیوان:** آیا تفاوتی در نگرش

نسل ها در مورد تشکل حزبی دیده میشود؟ مثلاً فناوری و رسانه های اجتماعی که امکان ابراز نظر مستقل و حتی راه اندازی حرکت ها و جنبش ها را فراهم کرده است در این حزب گریزی نقش ندارد؟

**حمید تقوائی:** روشن است که انقلاب الکترونیکی و تکنولوژی جدید ارتباطاتی در امر تشکل و گسترش مبارزات و جنبش های توده ای نقش مهمی داشته است و به مراتب امر مبارزه و سازمان یابی را تسهیل کرده است. در گذشته هر کس می خواست نظرش را به اطلاع جامعه برساند می بایست به نشریه و یا رادیو و رسانه ای دسترسی داشته باشد. حتی اگر میخواست شبنامه هم تهیه و پخش کند باید عضو یک سازمانی میبود. از این نقطه نظر هر نوع ابراز وجود سیاسی و اعتراضی به سازمان و حزب گره میخورد.

از سوی دیگر انحصار رسانه ها در دست دولتها و کمپانی های بزرگ بود. انقلاب انفورماتیک و اینترنتی هم انحصار دولتی و هم انحصار احزاب بر تکنولوژی ارتباطی را

در هم شکست و به افراد امکان داد با جامعه مستقیماً و در سطح گسترده ای رابطه برقرار کنند. امروز هر کس میتواند نظراتش را در مدیای اجتماعی منتشر کند و حتی میلیونها طرف خطاب و باصطلاح فالور و یا طرفدار داشته باشد بی آنکه لزوماً عضو حزبی باشد و یا به رسانه های سنتی دسترسی داشته باشد. این گام بزرگی به پیش است و میشود گفت نقطه عطفی در شکل گیری حرکات و جنبشهای اعتراضی است به این خاطر که اجازه میدهد هزاران فعال اجتماعی بمیدان بیایند و با یکدیگر تبادل نظر داشته باشند، دیوارهای سانسور را بشکنند و اخبار و اطلاعات رد و بدل کنند، فراخوان بدهند و نهایتاً به حرکتهای خیابانی و میدانی شکل بدهند. همه اینها مثبت است و باید وسیعاً از جانب فعالین به کار گرفته شود ولی هنوز ضرورت حزب سر جای خودش هست. اینترنت مبارزه را تسهیل کرده است اما حزب پدیده ای بسیار فراتر از تکنولوژی ارتباطاتی است. مدیای اجتماعی نمیتواند جای حزب به عنوان عامل افق دهنده، متحد کننده، و در نهایت

رهبری کننده توده مردم در مبارزه سیاسی و چالش حکومتها را بگیرد. زمانی که جامعه معترض، جنبشها و حرکت‌های اجتماعی و مدنی و صنفی، بخواهد وارد عرصه مبارزه سیاسی و چالش سیاسی حکومت بشود، رهبری واحدی پیدا کند و آلترناتیوی در مقابل حکومت بگذارد و نهایتاً به پیروزی برسد، به حزب نیازمند است.

این را ما در تجربه انقلابات موسوم به بهار عرب، بویژه در تجربه تونس و مصر شاهد بودیم. دیدیم که چطور اساساً با تکیه بر مدیای اجتماعی انقلاباتی شکل گرفت که گرچه در قدم اول موفق شد دیکتاتوری‌های سابقه دار را بزیر بکشد ولی در همین سطح متوقف شد و به عقب رانده شد. این تجربه به روشنی نشان میدهد که بدون وجود حزب انقلابی که بتواند چشم انداز روشنی در برای جامعه بگذارد و به گفتمانها و انتظارات و توقعاتی شکل بدهد که واقعا بتواند جامعه را به "نان، آزادی، کرامت انسانی" که شعار محوری انقلاب مصر بود رهنمون بشود، مبارزات مردم به فرجام

نخواهد رسید و پیروز نخواهد شد. ارتباطات و خود سازماندهی و خود گزارش دهی اینترنتی نمیتواند چشم انداز و جهت گیری و سیاست و آلترناتیو روشن و واحدی را به جامعه معرفی کند و مردم را حول آن سازمان بدهد. این امر به فعالیت احزاب گره میخورد.

به این دلایل اینترنت نمی تواند جامعه را از حزب و حزیت بی نیاز کند. بخصوص که احزاب با اتکا به اینترنت و تکنولوژی ارتباطات جمعی میتوانند بسیار گسترده تر و موثرتر از گذشته فعالیت کنند و نقش تعیین کننده تری در شکل دهی به تحولات سیاسی و اجتماعی ایفا کنند.

**خلیل کیوان:** در میان افرادی که فعالیت مستقل را بقول شما یک فضیلت می دانند این نظریه هم رواج دارد که احزاب سیاسی در ایران نقش چندانی در تحولات سیاسی ندارند. سؤال اینست که وجود احزاب سیاسی از جمله حزب کمونیست کارگری، چه تاثیری در فضای سیاسی ایران داشته اند و دارند. فقدان این

احزاب و سازمان های سیاسی چه پیامدها و تأثیراتی میتواند در فضای سیاسی اجتماعی ایران داشته باشد؟

**حمید تقوائی:** من طبعاً در مورد نقش حزب کمونیست کارگری صحبت میکنم و سعی میکنم از اینجا نتایج عمومی تری هم بگیرم.

برای هر کس که با تاریخ تحولات سیاسی ایران در چند دهه اخیر آشنا باشد روشن است که در عرصه های متعددی مثل مبارزه علیه سنگسار و متوقف کردن عملی این جنایت دولتی، حزب ما نقش تعیین کننده ای داشته است. بعد از اینکه در کارزار جهانی اعتراض به حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی ما موفق شدیم اور را نجات بدهیم عملاً سنگسار در ایران متوقف شد. در این کارزار فعالین و نیروهای زیادی در کشورهای مختلف ما را همراهی کردند ولی پرچم و ابتکار عمل این جنبش در دست حزب بود. اگر این اتفاق نمی افتاد نه تنها سکینه آزاد نمیشد بلکه سکینه های دیگری همچنان قربانی سنگسار میشدند.

نمونه دیگر مبارزه علیه اعدام است. امروز اعتراض به نفس مجازات اعدام، و نه صرفاً این یا آن پرونده و یا حکم معین، خوشبختانه به امری عمومی و یک جنبش فراگیر در ایران تبدیل شده است. امروز حتی از زبان فعالین غیر حزبی هم می شنویم که اعدام قتل عمد دولتی است.

در جنبش کارگری، اینکه امروز چهره های این جنبش به میدان آمده اند و علناً و با اسم و رسم خودشان مبارزه میکنند، اینکه نهادها و کمیته و سازمانهای فعالین جنبش کارگری در سطح نسبتاً وسیعی شکل گرفته اند و فعال شده اند، اینکه در موارد متعددی، از جمله در اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و اعتراضات کارگران هپکو، مبارزات کارگری به سطح شهرها و خیابانها کشیده میشود و مورد حمایت بخشهای دیگر جامعه قرار میگیرد، یا در مواردی خانواده های کارگران در اعتراضات شرکت میکنند، اینکه بحث شورا و اداره شورائی را جنبش کارگری در جامعه مطرح کرده است، اینکه

کارگران اعتصابی نفت در چهار محال بختیاری و کارگران هفت تپه در دل اعتصابشان مجمع عمومی وسیع خود را تشکیل میدهند و کلاً مطرح شدن گفتمان مجمع عمومی و اهمیت مجمع عمومی، در همه این زمینه ها اگر ادبیات و تبلیغات و فعالیتها و فراخوانهای حزب را دنبال کنید می بینید که از همان ابتدا و از بدو تشکیل حزب کمونیست کارگری تمام این موارد امر ما بوده است. این گفتمانها را بمیان جامعه برده ایم و این خط جهت و متدی بوده است که مدام حزب ما بر آن تاکید کرده است.

در شرایط خارج کشور نیز نمونه هائی مثل دفاع از پناهندگان و کمک به پناهجویان در پذیرفته شدن در کشورهای غربی و جلوگیری از دیپورت آنها، مقابله پیگیر با جریانات اسلامی و مشخصاً به شکست کشاندن سیاست برپائی دادگاههای شریعه در کانادا که به همت و ابتکار و فعالیت کادرهای حزب صورت گرفت، خراب کردن کنفرانس برلین بر سر دو خردادیهها که میخواستند برای جمهوری اسلامی آبرو بخرند، و ده ها نمونه دیگر بخشی

از کارنامه فعالیت حزب ما است. این فعالیتها توانسته است چتری برای فعال شدن بسیاری از افراد معترضی که خود را مستقل از احزاب میدانند نیز ایجاد کند.

البته منظور من این نیست که این تحولات صرفاً نتیجه فعالیت حزب ما بوده است. طبعاً شرایط عینی جامعه حرکتهای اعتراضی را به این سمت سوق داده است. اما حزب ما توانسته است بر مبنای این شرایط عینی سیاستها و گفتمانها و پراتیک مبارزاتی معینی را دنبال کند و نقش مهمی در تحولات ایفا نماید.

این امر در مورد احزاب دیگر هم صدق است. بالاخره هر حزب در جهت سیاستها و اهداف خودش فعالیت کرده و در شکل دهی به فضای سیاسی در ایران نقش داشته است. میخوایم بگویم گرچه پیوستن به احزاب از نظر تشکیلاتی هنوز در جامعه رواج پیدا نکرده است ولی از نظر سیاسی و مضمون اعتراضات احزاب حتی بر فعالیت کسانی که خود را مستقل از احزاب میدانند تأثیر داشته اند. کسی که به عنوان

مثال امروز خود را فعال مستقل جنبش علیه اعدام میداند متوجه نیست که این جنبش و امر مبارزه علیه اعدام و حقانیت اجتماعی آن ثمره کار احزاب معینی بوده است. به نظر من تاثیر احزاب بر گفتمانها و فضای سیاسی ایران قابل انکار نیست.

**خلیل کیوان:** جامعه ایران در آستانه تحولات بزرگی است. با سرنگونی جمهوری اسلامی جنبش های سیاسی طبقاتی رنگارنگ و احزاب سیاسی متعددی صحنه سیاسی را تسخیر خواهند کرد. در آن صورت این حزب گریزی چه سرنوشتی خواهد داشت. اکنون چگونه باید این مانع را کنار زد و خود را برای دوره پر تلاطم پیش رو مهیا ساخت؟

**حمید تقوائی:** به نظر من روند تحولات در جهتی هست که حزب گریزی را حاشیه ای میکند. هر چه جامعه به شرایط انقلابی، حرکات اعتراضی گسترده تر و اعتراضات وسیعتر روی بیاورد به همان درجه حزب و حزیت هم جایگاه واقعی خودش را پیدا میکند. شما در مقدمه بحث به دوره هائی از

تاریخ معاصر ایران اشاره کردید که احزاب فعال شده اند و روی آوری به احزاب گسترش پیدا کرده است. به نظر من دوره ای که در پیش داریم بسیار بیشتر از دهه بیست و سی و یا مقطع انقلاب ۵۷ و یا انقلاب مشروطه حزب و حزیت را به جلو خواهد راند.

این نکته را هم اجازه بدهید در آخر اضافه کنم که در کردستان که مبارزه علیه دولت مرکزی و ستم ملی و فعالیت احزاب سابقه طولانی دارد، جنبش چپ در آن قوی بوده است، و یک فضای اعتراضی همیشگی وجود داشته است، تحزب امری رایج و عضویت یا هواداری از احزاب امری توده ای و جا افتاده است. هر کس میدانند همسایه اش عضو یا طرفدار کدام حزب است. همین نمونه نشان میدهد که هر چه اعتراضات و فضای اعتراضی در کل ایران گسترده تر میشود و به انقلابی که در حال شکل گیری است نزدیکتر میشویم به همان نسبت حزب و مبارزه حزبی جایگاه واقعی و شایسته خودش را در جامعه باز می یابد. این بخصوص در مورد احزاب انقلابی مانند

حزب کمونیسم کارگری صدق میکند. همانطور که ابتدا اشاره کردم عامل اصلی حزب گریزی و همه تئوریها و گرایشات و فرهنگ سیاسی که بر این مبنا ساخته شده اختناق و سرکوب است. بنابراین وقتی در اثر اعتراضات توده ای بندهای اختناق سست میشود و بالانس قوا به نفع مردم تغییر میکند روی آوری به احزاب انقلابی هم بیشتر و بیشتر خواهد شد. به استقبال شرایطی می رویم که حزب انقلابی ای مثل حزب ما میتواند نقش تعیین کننده ای در شکل دادن به تحولات ایفا کند.

۱۲ اوت ۲۱

**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام